

**تبیین رابطه بین تغییرات اجتماعی- فرهنگی و تغییرات میزان جرم  
(مطالعه موردی: استان لرستان)**

دکتر علیرضا محسنی تبریزی<sup>۱</sup>  
مهدی سلیمانی<sup>۲</sup>

۸۹/۷/۳

۸۹/۹/۶

تاریخ دریافت:

تاریخ پذیرش:

**چکیده**

استان لرستان در سال‌های اخیر به خاطر اجرای یک سری برنامه‌های توسعه شاهد تغییرات اجتماعی- فرهنگی بوده است. فرآیند گذار از سنت به مدرنیته مسائل گسترده‌ای را بر زندگی اجتماعی برجای گذاشته است. این تغییرات از یک طرف پیامدهای مثبتی را خلق نموده و از طرف دیگر اختلال‌های وسیعی در الگوهای سنتی زندگی ایجاد کرده که این اختلال به نوبه خود منجر به بروز مسائل اجتماعی مختلفی گردیده است. هدف اصلی در این پژوهش تبیین رابطه بین تغییرات اجتماعی- فرهنگی و تغییرات میزان جرائم در لرستان می‌باشد. چارچوب نظری، نظریه‌های ساختار اجتماعی می‌باشد. تحقیق حاضر به روش کمی و کیفی (پدیدارشناسی) و در دو سطح انجام گرفته است. یافته‌های بخش کمی نشان می‌دهد: بین تغییرات بیکاری، اشتغال، افزایش جمعیت، شهرنشینی، مهاجرت، طلاق و سواد با میزان جرائم در طی سال‌های ۷۵ تا ۸۵ همبستگی وجود دارد. در بخش کیفی یافته‌های بخش کمی تحقیق تایید می‌شود و نشان می‌دهد که از نگاه شرکت کنندگان در تحقیق، تغییرات اجتماعی- فرهنگی باعث افزایش جرائم شده است.

واژه‌های کلیدی:

تغییرات اجتماعی- فرهنگی، جرم، تئوری‌های ساختار اجتماعی، پدیدارشناسی

افزایش بی‌رویه جرایم و کجروی‌های اجتماعی امروزه به یکی از مشکلات حاد در بیشتر شهرها تبدیل شده است. به طور کلی کجروی‌های اجتماعی علاوه بر ایجاد احساس ناامنی و بدبینی لطمات سنگین روحی، جسمی و مالی بر دوش شهروندان می‌گذارد. مهمتر اینکه وقوع جرایم، تعقیب و مجازات مجرمین و مقابله با ناهنجاری‌ها مستلزم تشکیلات گسترده قضایی، انتظامی، امکانات وسیع و صرف هزینه‌های گزاف مالی برای دولت و به طور کلی بخش عمومی جامعه است. بی‌شک شناسایی عوامل جرم‌زا نخستین گام مبارزه با کجروی‌های اجتماعی است تا با از بین بردن این عوامل یا کاهش اثرات آن بتوان از بروز جرائم پیشگیری نمود و یا حداقل از میزان آن در جامعه کاست. با فرآیند مدرنیزاسیون و پیشرفت‌های تکنولوژی در استان لرستان شاهد گذار از یک جامعه سنتی و عشایری به یک جامعه شهری و صنعتی هستیم. فرآیند گذار از سنت به مدرنیته مسائل گسترده‌ای را در زندگی اجتماعی بر جای گذاشته است. تغییرات اجتماعی \_ فرهنگی هر چه بیشتر جوامع پیامدهای مثبت و منفی، هر دو را به همراه دارند. از آنجا که پیامدهای مثبت مقبولیت فراوان و مشتاقان بیشتر و پیامدهای منفی متولی کمتری دارند، اغلب پیامدهای منفی پدیده‌های ذکر شده فوق باری سنگین‌تر از پیامدهای مثبت به دوش مسئولان هر جامعه می‌گذارند. جرم و انحرافات اجتماعی از پیامدهای منفی عمده‌ای است که بر رفاه افراد، خانواده‌ها و جوامع تأثیر بسیار می‌گذارد.

فقر و نداری، بیکاری، عدم امنیت شغلی، حضور هنجارهای سنتی در کنار هنجارها و ارزش‌های جدید و مدرن، گسستگی و تضعیف هنجارهای اجتماعی، کاهش کنترل‌های اجتماعی، انتظارات و توقعات بیش از حد توان، باعث شکل‌گیری تعارضات فرهنگی گردیده است که خود این عوامل منجر به سوق دادن و کشش فرد به سمت ناهنجاری‌ها، جرائم و انحرافات اجتماعی شده است. فرآیند مدرنیزاسون با تمام ابعاد و مظاهرش پا به این سرزمین گذاشته است که برای بسیاری به خصوص نسل قدیمی‌تر، درک و پذیرفتن آن همچنان بسیار سخت و دشوار است و دچار تضاد فرهنگی هستند. فرآیند گذار از سنت به مدرنیته مسائل گسترده‌ای را بر زندگی اجتماعی بر جای گذاشته است این تغییرات از یک طرف پیامدهای مثبتی را خلق نموده و از طرف دیگر اختلال‌های وسیعی در الگوهای سنتی زندگی ایجاد کرده که این اختلال به نوبه خود منجر به بروز مسائل اجتماعی مختلفی گردیده

است. آمار جرائم صورت گرفته در استان لرستان در دهه ۸۰ حاکی از افزایش چشم گیر در نرخ جرائم می باشد. جدول شماره (۱) بخشی از این آمار را نشان می دهد.

جدول شماره ۱: افزایش آمار بخشی از جرائم در مقایسه با سال های گذشته در استان لرستان

| سال              | ۸۴ نسبت به سال ۸۳ | سال ۸۵ نسبت به سال ۸۴ | سال ۸۸ نسبت به سال ۸۷ |
|------------------|-------------------|-----------------------|-----------------------|
| سرقت مغازه       | ٪ ۸۳              | ٪ ۱۳۷                 | ٪ ۳۶                  |
| سرقت خودرو       | ٪ ۲۱              | ٪ ۶۸                  | ٪ ۴                   |
| سرقت موتور سیکلت | ٪ ۷۶              | ٪ ۱۰۰                 | ٪ ۵۶                  |
| تجاوز به عفت     | ٪ ۱۱۵             | ٪ ۳۴                  | ٪ ۳۱                  |
| نزاع دسته جمعی   | ٪ ۳۹              | ٪ ۱۰                  | ٪ ۸                   |
| کلاهبرداری       | ٪ ۸               | ٪ ۲۴۶                 | ٪ ۳۳                  |
| آدم ربایی        | ٪ ۳۷              | ٪ ۱۰۰                 | ٪ ۱۰۰                 |
| کیف قاپی         | ٪ ۴۶              | ٪ ۲۹۰                 | ٪ ۱۰۱                 |
| قتل              | ٪ ۱۹              | ٪ ۱۰                  | ٪ ۱۷                  |
| سرقت احشام       | ٪ ۲۰              | ٪ ۱۶                  | ٪ ۳۹                  |

(منبع: معاونت اجتماعی نیروی انتظامی استان لرستان)

بنابراین آمار ارتکاب جرایم حاکی از روند رو به افزایش جرائم در استان می باشد. در شرایطی که با افزایش جرم روبه رو هستیم، نه تنها جامعه نیروهای مولد خود را از دست می دهد، بلکه باید به دلیل بیماری ها، معلولیت و آسیب های روانی - اجتماعی ناشی از این معضل، هزینه نگهداری و ارائه مراقبت های خاص را برای سال های طولانی بپذیرد. با توجه به گستردگی موضوع، اهمیت و پر رنگ بودن نقش رویکردهای جامعه شناختی در تبیین جرم، کانون توجه را به نیروهای اجتماعی و فرهنگی که بیشترین فشار را بر برخی از خانواده ها، افراد و گروه های اجتماعی وارد می سازد، معطوف داشته و به بررسی برخی تغییرات اجتماعی و فرهنگی و میزان جرائم در استان لرستان در یک دهه گذشته پرداخته می شود. در این راستا هدف از تحقیق حاضر تبیین رابطه بین تغییرات اجتماعی - فرهنگی و میزان جرائم می باشد. همچنین با استفاده از راهبرد فنومنولوژیک به دنبال پاسخ دادن به این سوالات هستیم که تغییرات اجتماعی - فرهنگی در منطقه چگونه تجربه شده است؟ ساختار و اشتراکات این پدیده در اشکال متفاوت آن چیست؟ تلاش می کنیم تا تجربیات افراد مورد مطالعه را در متن و زمینه ای که در آن روی می دهد توصیف نماییم.

تئوری بی‌سازمانی اجتماعی در اواسط دهه ۱۹۸۰ به عنوان یکی از دیدگاه‌های نظری عمده در مطالعه جرم مجدداً نمایان گردید. در ابتدا این تئوری عمدتاً خارج از مطالعات شهرنشینی شیکاگو توسط شاو<sup>۲</sup> و مک کی<sup>۳</sup> (۱۹۴۲)، به وجود آمده بود که بر روی توزیع اکولوژیکی جرم و بزهکاری تأکید می‌نمود با فرض اینکه علت اصلی جرم تغییر در توانای محلات نسبت به مهار هنجارشکنی ساکنان خود می‌باشد. این توانای به عنوان کارکرد همبستگی محله<sup>۴</sup> در نظر گرفته شده است که به وسیله اندازه، تراکم<sup>۵</sup> و گسترش پیوندهای شبکه‌ای و سطوح مشارکت سازمانی در میان ساکنان نمایان می‌گردد (markowitz et al, ۲۰۰۱: ۲۹۳). شاو و مک کی (۱۹۴۲)، فرض کرده‌اند که مناطق شهری متراکم و بزرگ باعث ایجاد روابط انسانی سطحی می‌شوند که به ترتیب، تضاد بین فردی را افزایش داده و کنترل و نظارت رسمی را ضروری می‌نماید. این نتایج بی‌سازمانی اجتماعی، با فقر و تحرک‌پذیری جمعیت در اطراف شهرها همراه گردیده و منجر به ضعف کنترل اجتماعی می‌شود که افزایش خرده‌فرهنگ‌های کج‌رو و به تبع آن افزایش میزان جرائم را به دنبال دارد (galea et al, ۲۰۰۲: ۱۳۷۴). جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان معتقدند که در نواحی که هنوز به صورت متروپل در نیامده‌اند ممکن است تحت شرایطی همبستگی اجتماعی تهدید گردد. این شرایط شامل رشد سریع جمعیت، رشد سریع اقتصادی، رشد شهرنشینی، نرخ بالای بیکاری و تداوم فقر می‌باشد (Arthur, ۱۹۹۱; rephann, jobs; ۱۹۹۹; Osgood & chambers, ۲۰۰۰; lee, Maumee & qusey; ۲۰۰۳; wells & weisheit; ۲۰۰۴; spano & nagy; ۲۰۰۵). بر اساس کار کلاسیک شاو و مک کی، مناطقی که از نظر اقتصادی - اجتماعی به صورت یکسان محروم بوده‌اند، برخلاف تغییرات در ترکیب قومی و نژادی شان، میزان بزهکاری بالایی را در طول مدت چندین دهه تجربه نموده‌اند. این فرآیند تأثیرات زمینه‌ای این اجتماعات محروم را بر روی میزان جرم نشان می‌دهد، علی‌رغم چیزی که جمعیت آنها تجربه کرده بود. این یافته‌ها

1- Social disorganization theory

2- shaw

3- Mckay

4- Neighborhood cohesion.

5- Density

محققان را مجبور کرد که تفسیرهای فردگرایانه از بزهکاری را ترد کنند و در عوض بر فرآیندهای اجتماعی متمرکز شوند (saegert et al, ۲۰۰۲: ۱۹۱). تئوری بی‌سازمانی اجتماعی شاو و مک کی (۱۹۴۲) و اخیراً کارهای انجام شده به وسیله بورسیک (۱۹۸۸) و (۱۹۸۶)، سمپسن (۱۹۸۵، ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷) و دیگران بر روی سازگاری گروهی نسبت به فرآیندهای اجتماعی از قبیل؛ شهرنشینی و تغییر الگوهای رشد اقتصادی، بیشتر از بزهکاری فردی تاکید می‌نماید (Ibid: ۲).

در نظام فکری دورکیم، پیامدهای آنومی در شکل نوعی نابسامانی روانی و فردی، در قالب تعارض شخصیت فردی خودخواه انسان با شخصیت اجتماعی و دیگرخواه او متجلی می‌شود. نتیجه این تعارض، آن است که خواسته‌های وجدان جمعی (که در کنار نفوذ شخصیت اجتماعی و دیگرخواه فرد، نیروهای برانگیزاننده شخصیت فردی و خودخواه را تحت کنترل دارد) کارآیی خود را از می‌دهند. تضعیف این الزام‌ها و فشارها سبب می‌شود که افراد به حال خود رها شوند. اینجاست که آرزوهای نامحدود، لجام‌ها را می‌گسلد و فشارهای را بر فرد وارد می‌آورد تا به رفتارهای مانند کجروی یا خودکشی دست یازد که دورکیم، آنها را همان نادیده گرفتن مقتضیات وجدان جمعی می‌داند (Durkheim, ۱۹۵۱: ۲۴۸-۲۵۰). بدین شکل یکی از معانی ضمنی نظریه «بی‌هنجاری» دورکیم آن است که آرزوهای نامحدود، فشارهایی را که بر افراد وارد می‌آورد تا به انحراف از هنجارهای اجتماعی دست یازند (wrightsman, ۱۹۹۸: ۱۰۴-۱۰۵). نظریه‌ها و پیش فرض‌های دورکیم در مورد جرم و بزهکاری نیز مورد انتقاد بسیاری از تضادگرایان و جرم‌شناسان جدید نظیر تیلر، والتون، و یانگ<sup>۱</sup> (۱۹۷۳)، و راتر<sup>۲</sup> (۱۹۶۵) قرار گرفته است. آنان به این نکته اشاره کرده‌اند که اگر چه بکار بردن مفهوم آنومی و بی‌سازمانی اجتماعی در تبیین جرم و بزهکاری نقطه شروع خوبی است، ولی در تحلیل و تبیین رفتار انحرافی، دورکیم عوامل فرهنگی، نظیر قومیت<sup>۳</sup> را انکار نموده است، در حالی که عوامل فرهنگی می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر رفتار انحرافی داشته باشد. دورکیم مفهوم آنومی را با اشاره به این نکته ابداع کرده است که در جوامع امروزی، خواه در سطح جامعه و خواه در سطح برخی گروه‌های تشکیل دهنده آن، معیارها و هنجارهای سنتی، وضعیتی در حال تضعیف دارد؛ بی‌آنکه هنجارهای

1- Taylor, Walton and young

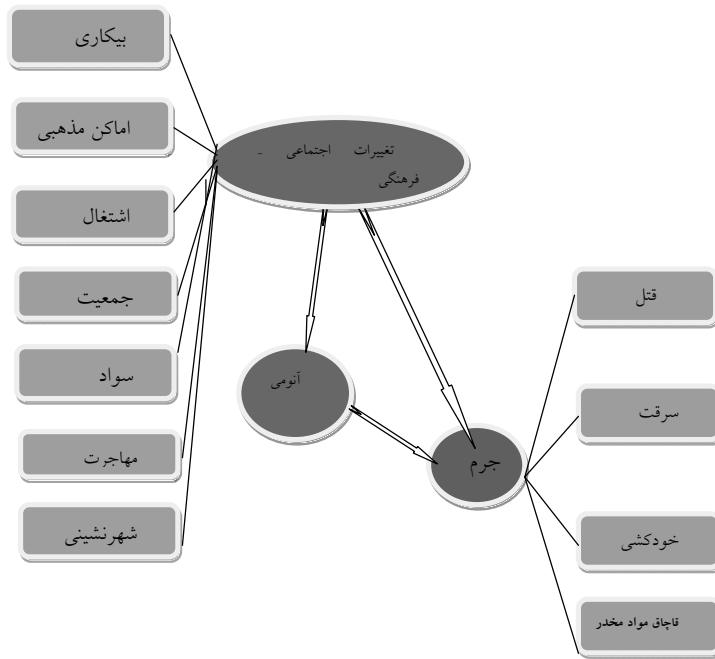
2- Ruther

3- Ethnicity

## Archive of SID

جدیدی جایگزین آن گردد. (ساچار، ۱۹۷۸؛ به نقل از احمدی، ۱۳۸۴: ۴۷). اخیراً بیشتر محققین اصول تئوری بی‌سازمانی اجتماعی را برای مناطق روستایی و یا مناطقی را که هنوز به صورت متروپل در نیامده‌اند و همچنین بررسی دگرگونی‌های نرخ جرائم با ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی جوامع به کار می‌برند (Wilkinson, Wilkinson, ۱۹۸۴a, b; spano; ۲۰۰۴, jobs et al; ۲۰۰۴, reisis & cancino; ۲۰۰۴, wells & weisheit & nagy, ۲۰۰۵)

با توجه به آمار و داده‌های مرکز آمار ایران، سرشماری‌ها و سالنامه‌های آماری استان طی سال‌های ۷۵ تا ۸۵ شاهد تغییرات اساسی در شهرنشینی، جمعیت، بیکاری، اشتغال، سواد، مهاجرت ارتباطات و ... در استان لرستان می‌باشیم (مرکز آمار ایران). تغییرات سریع و شتابان با تمام مظاهر در طی دو دهه وارد استان سرزمینی کاملاً منزوی با آداب و رسوم کهن شده است (جمشیدی‌ها، قلی‌پور، ۱۳۸۹: ۱) در مدل ارائه شده این تغییرات به عنوان شاخص‌های تغییرات اجتماعی و فرهنگی در استان در نظر گرفته شده است (لازم به ذکر است که دلیل انتخاب صرف این شاخص‌ها محدودیت‌های آماری و عدم وجود آمار مورد نیاز سایر شاخص‌ها از سوی سازمانهای مربوطه بوده است). بر اساس نظریه بی‌سازمانی، زمانی که تغییرات سریع و ناگهانی صورت می‌گیرد یک نوع بی‌هنجایی یا شرایط آنومی شکل می‌گیرد که در چنین شرایطی زمینه برای وقوع جرائم و کجروی‌ها فراهم می‌شود و افراد در شرایطی قرار می‌گیرند که احتمال ارتکاب جرم از سوی آنان افزایش می‌یابد. با توجه به نظریه‌های ارائه شده در این تحقیق نظریه‌های ساختار اجتماعی برای تبیین موضوع مورد بررسی در سطح کلان بهتر می‌تواند ما را یاری رساند. لذا بر اساس نظریه ارائه شده در این بخش فرضیه تحقیقاتی مطرح شده است.



## فرضیات تحقیق

### فرضیه اصلی

- به نظر می‌رسد بین تغییرات سریع و شتابان اجتماعی - فرهنگی و میزان جرائم در استان لرستان رابطه معناداری وجود دارد.

### فرضیات فرعی

- به نظر می‌رسد بین تغییرات جمعیت استان لرستان و میزان جرائم در این استان در یک دوره ۱۰ ساله (۷۵ تا ۸۵) همبستگی وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین تغییرات میزان اشتغال جمعیت فعال استان لرستان و تغییرات میزان جرائم در آن استان در طی سال‌های ۷۵ تا ۸۵ همبستگی وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین تغییرات میزان بیکاری جمعیت فعال استان لرستان و تغییرات میزان جرائم استان رابطه معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین میزان اماکن دینی (تغییرات در تعداد اماکن دینی) استان لرستان و میزان جرائم در این استان در طی سال‌های ۷۵ تا ۸۵ همبستگی وجود دارد.

## Archive of SID

- به نظر می‌رسد بین تغییرات در میزان شهرنشینی در استان لرستان و تغییرات میزان جرائم در این استان در طی سال‌های ۷۵ تا ۸۵ همبستگی وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین میزان مهاجرت به استان لرستان و تغییرات میزان جرائم در آن استان در طی سال‌های ۷۵ تا ۸۵ همبستگی وجود دارد.

### روش تحقیق

در این تحقیق از هر دو نوع روش‌های کمی و کیفی و به طور همزمان استفاده شده است. یعنی قسمتی از کار با روش کمی مورد بررسی قرار گرفته و قسمت دیگر کار با روش کیفی و راهبرد پدیدارشناسی بررسی شده است. چرا که به اعتقاد استراوس و کوربین روش‌های کمی و کیفی را می‌توان به طور مؤثر در یک پروژه به کار گرفت (استراوس و کوربین، ۱۳۸۵: ۱۸).

### بخش کمی

در بخش کمی ابتدا به روش اسنادی و کتابخانه‌ای به مطالعه و مروری بر متون نظری و مطالعات پیشین پرداخته شده است و در ادامه برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات، از داده‌های سرشماری، سالنامه‌ها و آمارهای سازمان‌های مربوطه استفاده شده است. از آنجا که این تحقیق تحلیل ثانویه اطلاعات و نتایج سرشماری‌ها و سالنامه‌های آماری مربوط به سازمان‌های از جمله دادگستری، استانداری، معاونت برنامه‌ریزی، ناحیه انتظامی استان لرستان و ... می‌باشد، از این رو جامعه آماری این تحلیل نیز داده‌های جمع‌آوری شده در این سرشماری‌ها و سالنامه‌های آماری است. همچنین در این بررسی نمونه‌گیری انجام نشده و جامعه آماری، کلیه داده‌های جمع‌آوری شده و اطلاعات سرشماری‌ها و سالنامه‌های آماری سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ می‌باشد. سطح تحلیل در این تحقیق سطح کلان می‌باشد و واحد تحلیل این تحقیق استان می‌باشد.

### • متغیر مستقل

متغیر مستقل پژوهش، شاخص‌های تغییرات اجتماعی - فرهنگی می‌باشد. شاخص‌های از قبیل تغییراتی که در بخش‌هایی از جامعه همانند خانواده، اقتصاد، سواد، ارزش‌ها، جمعیت



و ... صورت می گیرد. برای سنجش تغییرات اجتماعی - فرهنگی از شاخص های: جمعیت، آموزش، وضعیت اشتغال و بیکاری، مهاجرت به داخل استان، شهرنشینی و تعداد اماکن مذهبی استفاده شده است.

### • متغیر وابسته

متغیر وابسته در این تحقیق جرم می باشد که با استفاده از داده های ثانویه مربوط به جرائم قتل، انواع سرقت، خودکشی و مواد مخدر در استان لرستان مورد سنجش قرار گرفته است. (لازم به ذکر است که دلیل انتخاب این جرائم محدودیت در دسترسی به آمار جرائم قبل از سال ۱۳۸۰ می باشد). تعریف جرم به فعل یا ترک فعلی که قانون برای آن تعیین مجازات کرده (ماده ۲ قانون مجازات اسلامی)، بدون توجه به این که آیا غیراخلاقی، سزاوار سرزنش، منجر به خسارت خطرناک بوده یا نه، این تعریفی قانونی از جرم به شمار می آید.

### بخش کیفی

تحقیق کیفی اصولاً مبتنی بر پارادایم تفسیرگرایی - بر ساخت گرایی اجتماعی است. مواضع پارادایمی تفسیری - بر ساختی، همه مراحل تحقیق کیفی از طرح مسئله تا تحلیل داده های کیفی را جهت می دهد (مای، ۲۰۰۲؛ ماکسول، ۲۰۰۴؛ دنزین و لینکلن، ۲۰۰۵؛ نیومن، ۲۰۰۶؛ برگ، ۲۰۰۶). تحقیق کیفی بر خلاف تحقیق کمی عموماً از طریق فرآیندهای آماری و مقاصد کمی سازی حاصل نمی شود (اشتراس و کوربین، ۱۹۹۸؛ کوربین و اشتراس، ۲۰۰۸). در بخش کیفی از راهبرد پدیدارشناسی و از تکنیک مصاحبه استفاده شده است. داده های این پژوهش از طریق مشاهده میدانی و مصاحبه های عمیق یا تعامل های شفاهی گردآوری شده است و متمرکز بر معانی و تفسیرهای شرکت کنندگان آن است.

نمونه مبتنی بر هدف این مطالعه شامل ۱۸ نفر از زندانیان، زندان پارسیلون استان لرستان و همچنین ۴ نفر از خانواده کسانی که خودکشی موفق داشته اند، می باشد. طیف سنی مصاحبه شوندگان ۲۹ تا ۶۰ سال می باشد. بعد از گرفتن مجوز از سازمان زندان های استان لرستان و همچنین حفاظت اطلاعات زندان های استان، به این مرکز مراجعه نموده و صحبت های اولیه در ارتباط با موضوع تحقیق و مطالعه برای شرکت کنندگان در تحقیق توضیح داده شد. در روزهای بعد مصاحبه ها انجام شد. هنگامی که شرکت کنندگان تجربه

## Archive of SID

خود را توصیف می کردند و توضیح و روشن سازی دیگری لازم نبود، مصاحبه پایان یافته تلقی می شد. مصاحبه ها بین ۴۰ تا ۹۰ دقیقه به طول انجامید. پیش فرض های محقق که ناشی از تجربه، متون و تحقیقات قبلی بود مشخص و کنار گذاره شد. به این منظور این فرضیات قبل از جمع آوری داده ها لیست گردید و سپس نیز به صورت دوره ای و با پیشرفت مطالعه اینکار تکرار و تکمیل می شد. مرور گسترده بر مطالعات تا پس از اتمام تحلیل داده ها به تعویق انداخته شد. مصاحبه ها بر روی نوار ضبط گردید و سپس عین کلمات افراد استخراج می گردید و مجدداً برای حصول اطمینان از دقت کار، نسخه ها با نوار مصاحبه مقایسه می گردید. برای تحلیل داده ها از روش کلایزی<sup>۱</sup> استفاده شد. به این ترتیب که نسخه ها کاملاً خوانده می شد و سپس جملات آنها در ارتباط جرم و تغییرات اجتماعی - فرهنگی استخراج و معنای هر جمله از زبان محقق نوشته می شد. آنگاه تم ها بر اساس معانی آنها به صورت خوشه های سازماندهی گردید. سپس تم ها و خوشه های استخراج شده از نسخه ها تلفیق گردیدند تا توصیفی از تجربیات شرکت کنندگان حاصل آید. در مرحله بعد نتایج به این صورت تایید گردید که نتایج نهایی از طریق ارتباط مجدد با شرکت کنندگان در میان گذارده شد تا تعیین نمایند که آیا توصیفات، منعکس کننده تجربیات آنان هست یا خیر. در انجام این تحقیق از مشاوره یک فرد متخصص در تحقیقات کیفی استفاده گردید، وی در چگونگی ارائه سوالات و نحوه تحلیل داده ها کمک می نمود.

## یافته ها

یافته های تحقیق شامل دو بخش: کمی و کیفی است. یعنی تحلیل یافته ها در دو سطح انجام گرفته است در این بخش ابتدا به یافته های کمی، به تبیین رابطه بین شاخص های تغییرات اجتماعی - فرهنگی از حیث جمعیتی، آموزش، وضعیت اشتغال و بیکاری، مهاجرت به داخل استان، شهرنشینی، اماکن مذهبی با جرائم صورت گرفته در طی سال های ۷۵ تا ۸۵ (در این تحقیق تاکید بر جرائم قتل، سرقت، قاچاق مواد مخدر و اعتیاد و خودکشی می باشد) موجود پرداخته می شود. برای تجزیه و تحلیل داده ها، ابتدا داده های خام و اولیه را به صورت استاندارد شده در آورده و سپس با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون آماری ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

| متغیر وابسته<br>متغیر مستقل | خودکشی                 | قتل                    | سرقت                    | اعتیاد و قاچاق<br>مواد مخدر | زندانیان (کل<br>جرایم) |
|-----------------------------|------------------------|------------------------|-------------------------|-----------------------------|------------------------|
| جمعیت                       | Co: 0.74<br>Sig: 0.008 | Co: 0.95<br>Sig: 0.000 | Co: 0.23<br>Sig: 0.43   | Co: 0.45<br>Sig: 0.15       | Co: 0.61<br>Sig: 0.04  |
| شهرنشینی                    | Co: 0.75<br>Sig: 0.008 | Co: 0.95<br>Sig: 0.00  | Co: 0.31<br>Sig: 0.33   | Co: 0.46<br>Sig: 0.17       | Co: 0.65<br>Sig: 0.02  |
| مهاجرت                      | Co: 0.38<br>Sig: 0.003 | Co: 0.78<br>Sig: 0.001 | Co: 0.37<br>Sig: 0.28   | Co: 0.17<br>Sig: 0.02       | Co: 0.48<br>Sig: 0.002 |
| اماکن مذهبی                 | Co: -0.61<br>Sig: 0.06 | Co: -0.36<br>Sig: 0.30 | Co: -0.24<br>Sig: 0.49  | Co: -0.59<br>Sig: 0.07      | Co: -0.61<br>Sig: 0.06 |
| اشتغال                      | Co: -0.63<br>Sig: 0.04 | Co: -0.08<br>Sig: 0.82 | Co: -0.84<br>Sig: 0.002 | Co: -0.56<br>Sig: 0.09      | Co: -0.70<br>Sig: 0.02 |
| بیکاری                      | Co: 0.63<br>Sig: 0.04  | Co: 0.13<br>Sig: 0.71  | Co: 0.84<br>Sig: 0.002  | Co: 0.57<br>Sig: 0.05       | Co: 0.67<br>Sig: 0.03  |

با استناد به نتایج جدول شماره (۱) با اطمینان ۹۵ درصد و سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۵ رابطه آماری معنی داری بین دو متغیر شهرنشینی، جمعیت، مهاجرت با میزان زندانیان در استان لرستان طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ ملاحظه می‌گردد. از طرفی مقدار این رابطه به ترتیب برابر با ۰/۶۵، ۰/۶۱ و ۰/۴۸ می‌باشد، دلالت بر همبستگی نسبتاً قوی بین دو متغیر شهرنشینی و جمعیت با میزان زندانیان و همبستگی نسبتاً متوسط بین مهاجرت و میزان زندانیان در طی ۱۰ سال مورد نظر وجود دارد. به عبارت دیگر با افزایش شهرنشینی، مهاجرت به استان و افزایش جمعیت میزان جرائم نیز افزایش یافته و با کاهش این متغیرها در سال‌های مورد نظر از میزان جرائم کاسته شده است. لذا فرضیه‌های اول، دوم و سوم ما تایید می‌شود.

با اطمینان ۹۵ درصد و سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۵ رابطه آماری معنی داری بین دو متغیر بیکاری و میزان زندانیان در استان لرستان وجود دارد یعنی هرچه میزان بیکاری در طول این ده سال افزایش یافته است، میزان زندانیان نیز افزایش یافته است و برعکس. از طرفی مقدار این رابطه برابر با ۰/۷۰ است، دلالت بر همبستگی نسبتاً قوی بین دو متغیر است. بنابراین می‌توان گفت که بین میزان بیکاری و میزان زندانیان همبستگی وجود دارد و فرضیه ما تایید می‌شود اما در مورد میزان اشتغال لازم به توضیح است که، دو متغیر اشتغال و بیکاری مکمل هم هستند و با افزایش یکی، دیگری کاهش می‌یابد و برعکس، لذا همچنین بر اساس نتایج

## Archive of SID

جدول شماره (۴-۱۳) رابطه منفی و معکوسی بین میزان اشتغال و میزان جرائم وجود دارد و بین این دو متغیر همبستگی معکوسی وجود دارد به عبارتی با اطمینان ۹۵ درصد و سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۵ رابطه آماری معکوس و معنی داری بین دو متغیر اشتغال و میزان زندانیان در استان لرستان وجود دارد یعنی هرچه میزان اشتغال در طول این ده سال افزایش یافته است، میزان زندانیان کاهش یافته است و برعکس.

رابطه آماری معنی داری بین دو متغیر اماکن مذهبی و میزان زندانیان در استان لرستان وجود ندارد و سطح معنی داری بیشتر از ۰/۰۵ است و فرضیه ما در این مورد تایید نمی شود.

### یافته های بخش کیفی

در بخش کمی رابطه آماری معناداری بین متغیرهای مورد نظر مشاهده شد. در این بخش بر آن بودیم که این روابط را با استفاده از روش پدیدارشناسی و با تاکید بر تجربه شرکت کنندگان در تحقیق مورد آزمون قرار دهیم. یافته های بخش کیفی نشان می دهد که تغییرات در شهرنشینی، جمعیت، مهاجرت به استان، سطح سواد، بیکاری و اشتغال، کاهش ارزش های دینی و مذهبی از جمله عوامل تاثیر گذار بر میزان جرائم می باشد. لذا یافته های بخش کمی در اینجا نیز تایید می شود.

### تعریف و معنای جرم از نگاه مصاحبه شوندهگان

مصاحبه شوندهگان بر اساس مشاهدات و تجربیات خود از محیط زندگیشان برداشت، تعریف و تحلیل های متفاوتی از رفتار خلاف قانون داشتند.

• عده ای ارتکاب به جرم را رهایی از نا ملایمات، ضجرها، ناراحتی ها و مشکلات اقتصادی می دانند. یعنی فرد در زندگی به جایی رسیده است که از آن به پایان خط یاد می کنند. جرم در نظر بعضی از مصاحبه شوندهگان یک نوع رفتار اعتراضی است. ولی اعتراضی بی معنی است. چرا که بعد از دستگیری و آشکار شدن جرم، مردم او را مورد سرزنش قرار می دهند و او را مقصر می دانند.

• شخصی که دچار تعارض شده باشد و نتواند از بین راههای موجود یکی را انتخاب کند، به ناامیدی کامل رسیده باشد راه دیگری را انتخاب می کند و دست به اقدامی می زند که به نظر خودش راحت تر این تعارض را حل کند که آن را جرم می نامیم. در اصل این

عمل برای رسیدن به دیگران و مقایسه خود با اطرافیان و دیگران می باشد.

• جرم رفتاری است که نشانه رنجش و ناراحتی افراد از جامعه است و فرد به بن بست رسیده است. فرد با اقدام به جرم و یا خودکشی می خواهد از جامعه انتقام بگیرد و نسبت به آن اعتراض کند. فردی که تصمیم جدی در عمل جرم دارد، حتماً مرتکب جرم می شود و از عمل خود پشیمان نمی شود.

• فرد در اثر نداشتن ایمان کافی، که در این صورت خدای خود را فراموش کرده یا شخص به اندازه ای از خدا دور می شود که از رسیدن به کمال و خدای خویش باز می ماند. نداشتن ایمان به منزله سیاهی و ظلمات یا در تنگنا قرار گرفتن فرد است که به رفتارهای زشت مثل جرم و خودکشی دست می زند.

### عوامل فرهنگی و جرم

در جواب سئوالات مربوط به نقش عوامل فرهنگی در ارتکاب جرم، بیشتر مصاحبه شوندگان اعتقاد دارند که:

• در حال حاضر جرم زیاد شده است، قبلاً مردم دین و ایمان قوی تری داشتند ولی در وضعیت کنونی خیلی بدتر شده است، دین واقعی کمتر شده است به زبان دیندارند ولی در عمل نمی بینیم. برای همین است که تعداد زندانیان این همه زیاد شده است و در زندان ها جای نفس کشیدن هم وجود ندارد.

• بیشتر مردم الان در شهر زندگی می کنند جمعیت زیاد است، اقوام و فامیل کمتر به هم سر می زنند و کمتر از احوال هم خبر دارند توقعات بالا رفته، مشکلات بیشتر شده است. اعتقادات مردم کم رنگ تر شده است و این علت خلافتکاری مردم است.

• روحیه خشونت و جنگ آوری بین مردم در گذشته و امکان برخورد بیشتر مردم با همدیگر در حال حاضر و چشم و هم چشمی موجب افزایش تنفر درونی افراد علیه همدیگر می شود و این باعث رفتار خلاف قانون می شود

• پایین بودن سطح آگاهی پدر و مادر روستایی و ضعف و ناتوانی افراد در زندگی شهری باعث می شود فشارهای زیادی به افراد وارد شود و در اثر توهین و تحقیرهای دیگران، و برای جبران این تحقیرها فرد مرتکب جرم می شود.

• ترک کردن روستا و مهاجرت به شهر و از بین رفتن فرهنگ روستایی و ساده زیستی.

## Archive of SID

• افزایش سطح توقعات و انتظارات باعث افزایش فرهنگ چشم و هم چشمی افراد نسبت به همدیگر در زمینه خرید ماشین، ادامه زندگی در شهر، اشتغال، باعث ایجاد احساس تنفر و بدبینی نسبت به دیگران می شود و فرد سعی می کند که از راه خلاف و غیر مرسوم این انتظارات را برآورده کند.

• مشکلات و ننداری و خواسته های مردم زیاد شده و باعث روحیه خشونت و جنگ آوری در خانواده شده است که باعث می شود فرد احساس محبت و دوستی، که پایه مودت و استحکام در خانواده است، را از دست بدهد و از زندگی مأیوس و ناامید شود و دست به هر کاری می زند.

• در خانواده های فقیر سطح فرهنگ بسیار پایین است و وقتی فرد وارد شهر می شود اختلاف طبقاتی را درک می کند و به آن آگاه می شود و این آگاهی از اختلاف سطح طبقات باعث می شود فرد فقیر احساس حقارت و بی ارزشی کند.

• والدین و خانواده ها به دلیل بی سواد، جوانان را به درستی درک نمی کنند؛ به دلیل شیوه زندگی روستایی، و حضور در شهر روابط بین زن و شوهر مسالمت آمیز نیست. توقعات بالا می رود و وقتی در فرد توان برطرف کردن توقعات نباشد دست به عمل خلاف و جرم و حتی خودکشی می زند.

• کمتر شدن حضور مردم در اماکن مذهبی و ضعف اعتقادات دینی نسبت به گذشته شکل گیری اختلاف سطح فرهنگی بین دو نسل (پدران و فرزندان) چون این دو نسل والدین و فرزندان، در دو فرهنگ متفاوت بزرگ شده اند و نسل والدین با فرهنگ بسته و بسیار سنتی، در حالی که فرزندان در محیطی باز و مدرن بزرگ شده اند. این دو نسل در اکثر زمینه های زندگی با هم اختلاف دارند؛ والدین می خواهند فرهنگ سنتی خود را بر فرزندان اعمال کنند، در صورتی که فرزندان می خواهند در جامعه امروزی که زندگی می کنند، فرهنگ امروزی را پذیرا شوند. همچنین افراد هنگامی که در بین خانواده کمتر مورد توجه واقع می شوند و فکر می کنند کسی آنها را دوست ندارد و احساس می کند همیشه تنهاست و این تنهایی او را به اعتیاد یا خودکشی سوق می دهد. احساس می کند کسی را ندارد، فکر می کند اگر خودکشی کند یا معتاد شود یک علامت بیداری برای دیگر اعضای خانواده است، مخصوصاً کسی که او را آزار و اذیت می دهد یا بیشترین تأثیر را در ناراحتی او دارد.

## عوامل اجتماعی و ارتکاب جرم

از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان شکل‌گیری فقر اقتصادی خانواده و بیکاری فرد، به عنوان مهمترین عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم شناخته شده است. مردم استان لرستان بسیار فقیر هستند و به خصوص روستاها و شهرهای کوچک این استان نیز از محروم‌ترین مناطق به شمار می‌روند و اکثر آنان به کشاورزی و دامداری متکی هستند.

«بیکاری بیشترین تأثیر را بر ارتکاب جرم دارد. انسان وقتی با هزاران امید و آرزو به سن جوانی می‌رسد و بیکار است در بین افراد هم محله و فامیل خود را مقایسه می‌کند و به علت احساس سرشکستگی و ناامیدی مرتکب جرم می‌شود. فردی که به سن ۳۰ سال می‌رسد، خانواده انتظار در آمد و تولید از او دارد و به او می‌گویند: تو سربار خانواده هستی و بیکار هستی و در استان ما که امروز بیکاری و سردرگمی خیلی بیشتر شده است، این فرد به سمت افسردگی و ارتکاب جرم کشیده می‌شود».

به طور کلی می‌توان گفت مسأله جرم و خلافکاری تحت تأثیر فقر اقتصادی و فرهنگی است. انسانی که از نظر اقتصادی در وضعیت مطلوبی نباشد آرامش روحی و روانی ندارد و نمی‌تواند در بین مردم موفقیت داشته باشد. در نتیجه برای رهایی از این وضعیت دست به جرم می‌زنند البته جرم در بین همه اقشار ثروتمند و فقیر مشاهده می‌شود. بیکاری در بیشتر مواقع عامل مهمی برای شروع فکر کردن به جرم است. فقر اقتصادی و بیکاری زمانی بر ارتکاب جرم تأثیرگذار است که فرد آسیب دیده از طرف روابط بین اعضای خانواده و دیگران تحقیر می‌شود. اگر فردی فقیر یا بیکار باشد ولی از طرف خانواده مورد احترام و توجه قرار گیرد او به خلاف فکر نمی‌کند. و تلاش می‌کند یک کار آبرومند دست و پا کند. «فرهنگ تلویزیونی بر زندگی جوانان تأثیر زیادی داشته است و توقعات آنان را بالا برده است. فقر اقتصادی، احساس نابرابری، ضعف و حقارت در جامعه ما زیاد شده است که عامل اصلی جرم است فردی که در شرایط ازدواج است و وضعیت اقتصادی ضعیفی دارد قادر به برطرف کردن نیازهای این مرحله نیست. خود را با دیگران مقایسه می‌کند و احساس نابرابری، ضعف و حقارت می‌کند و برای فرار از این مسأله موجب ارتکاب جرم و یا معتاد شدن وی می‌شود».

این عوامل از طریق فرایندهای زیر بر ارتکاب جرم تأثیر می‌گذارند:

۱- شکل‌گیری فقر اقتصادی به عنوان عامل اصلی، موجب احساس نابرابری نسبت به

دیگران، ضعف و حقارت و در نهایت ارتکاب جرم می‌شود.

۲- بیکاری فرد: اگر سرپرست خانواده بیکار باشد، افراد خانواده انتظاراتی از او دارند که اگر آنها را برآورده نکند، سرپرست بیکار در میان اقوام و فامیل احساس حقارت می‌کند، و این باعث افزایش اختلافات خانوادگی می‌شود و در اثر این گونه خشونت‌ها در خانواده‌ها جرم اتفاق می‌افتد.

۳- در این منطقه بیکاری نسبت به گذشته بسیار بیشتر شده است. بیکاری فرد موجب احساس حقارت و بی‌ارزشی فرد نسبت به دیگران می‌شود. این مسئله باعث می‌شود که فرد به سمت جرم تحریک شود شاید از این طریق به آنچه فکر می‌کند لیاقتش را دارد و آنچه که از زندگی می‌خواهد دست یابد. فرد مجرد اگر فقیر باشد و شغل و سرمایه نداشته باشد مجبور است از مردم فاصله بگیرد. وقتی وضعیت اقتصادی خوبی داشته باشد در تمام آداب و رسوم مردم شرکت می‌کند و شخصیت اجتماعی او مورد احترام همه واقع می‌شود. جامعه برای او ارزش قائل می‌شود و خودش هم احساس ارزشمندی می‌کند و در شخصیت خودش نمی‌بیند که جرمی را مرتکب شود. مصاحبه‌شوندگان به نقش تغییر و تحولات فرهنگی - اجتماعی در طول سال‌های گذشته اشاره می‌کنند و این مسئله را یکی از عوامل مهم در ارتکاب جرم می‌دانند. به بیان دیگر یکی از عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم را در استفاده از رسانه‌ها و افزایش سطح آگاهی مردم و به خصوص نسل جدید می‌دانند. از نگاه مصاحبه‌شوندگان افرادی که نزدیک به شهرهای بزرگ زندگی می‌کنند و یا به شهرهای بزرگ مهاجرت می‌کنند، بیشتر احتمال دارد که دست به عمل خلاف بزنند این در حالی است که بیشتر آنان اعتقاد دارند در مردمی که در روستاهایی که با فاصله بیشتر از شهرهای بزرگ و در داخل رشته کوه‌ها واقع شده‌اند جرم کمتری اتفاق می‌افتد و نرخ پایین تری دارد. چون توقعات و خواسته‌های آنان از زندگی خیلی کمتر است. چون خواسته‌ها و آرزوها بسیار محدود در حد نیازهای زندگی می‌باشد. اما امروزه ارتباط و مهاجرت به شهر بسیار زیاد شده است و حتی در بسیاری از روستاها همان امکانات شهری از قبیل رسانه‌ها و وسایل رفاهی نیز استفاده می‌شود کسی که با شهرها و این امکانات ارتباط دارد، تلویزیون مشاهده می‌کند، ماهواره می‌بیند و این همه پیشرفت را می‌بیند احساس نابرابری می‌کند، افسرده می‌شود و مدام با خودش درگیری دارد که چرا «من هم نداشته باشم و اینگونه زندگی نکنم» و خودش را سرزنش می‌کند که چرا شرایط زندگی برای پیشرفت من آماده نیست. این شیوه تفکر امروزه در



بسیاری از روستاها و شهرهای استان حاکم است و اگر فرد نتواند به آنچه می خواهد برسد یا خودکشی می کند یا از راه های غیرقانونی و جرم تلاش می کند به آنچه می خواهد برسد.

## بحث و نظر

پژوهش حاضر به روش کمی و کیفی انجام گرفته است در روش کمی از تحلیل ثانویه داده های سرشماری و سالنامه های آماری و همچنین از آمارهای نیروی انتظامی استان در ارتباط با جرائم استفاده شده است. با توجه به محدودیت های تحلیل ثانویه در بخش کمی، صرفاً از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است و وجود و عدم وجود همبستگی میان متغیرها مورد بررسی قرار گرفته شد. همبستگی با رابطه علی متفاوت می باشد و وجود همبستگی میان دو متغیر دال بر رابطه علی و معنادار نیست و در واقع نوعی هم تغییری است که ممکن است تصادفی باشد. نتایج پژوهش حاضر حاکی از وجود همبستگی مثبت و مستقیم بین تغییرات اجتماعی و فرهنگی با میزان جرائم می باشد. در بخش دوم تحقیق با استفاده از رویکرد کیفی و راهبرد پدیدارشناسی تلاش نمودیم تا با انجام مصاحبه های عمیق و تعاملات شفاهی با افرادی که پدیده مورد مطالعه را تجربه کرده اند، یافته های بخش کمی را مورد آزمون قرار دهیم. یافته های بخش کیفی نشان داد بیکاری، فقر، احساس محرومیت، افزایش شهرنشینی، مهاجرت، کم رنگ شدن اعتقادات دینی، تعارض بین هنجارها و ارزش های سنتی و مدرن، افزایش جمعیت و کم توجهی افراد به همدیگر، توقعات و آرزوهای نامحدود و امکانات محدود از جمله عوامل مهم و تاثیر گذار بر میزان جرائم می باشد لذا در بخش کیفی تحقیق نیز یافته های بخش کمی مورد تایید واقع می شود و همبستگی مشاهده شده ناشی از شانس و تصادف نیست.

در تبیین موضوع مورد مطالعه از اینجا شروع کنیم که استان لرستان از جمله مناطقی است که دیرتر با مدرنیته آشنا شد چون تعداد قابل ملاحظه ای از ساکنان این منطقه عشایر و کوچ نشین بودن و در کوهستان های آنجا به بیلاق و قشلاق می پرداختند. زندگی آنها به قدری دور از تحولات است که استارک شرق شناس اسکاتلندی می نویسد:

«برای آدمی خیلی لذت بخش است که گاهی نیز میان افرادی برود که زندگی ساده ای را پیشه خود ساخته اند و به این جهان گذران اعتنایی ندارند این مردم همان قدر که در فکر تهیه وسایل معیشت نیستند، قصد بهره بردن از خود زندگی را نیز ندارند».

## Archive of SID

چنین توضیحی نشان‌دهنده عدم حضور مظاهر مدرنیته در منطقه مورد مطالعه است. صعب‌العبور بودن منطقه و نبودن راه‌های ترابری باعث عدم حضور مظاهر مدرنیته در این منطقه شده بود. اما با تقسیم اراضی، فروش نفت و ازدیاد ثروت عمومی از یک طرف و کاهش محصولات کشاورزی از طرف دیگر باعث جاذبه شهرها گردید. همزمان با اصلاحات ارضی جاده‌های شوسه‌ای رونق می‌گیرد به عنوان مثال جاده الشتر، نورآباد و خرم‌آباد حمل و نقل عمومی و ترابری را ممکن می‌سازد. این عوامل سبب مهاجرت افراد زیادی به شهرها شد و بر اثر این مهاجرت‌ها دهستان‌های زیادی از جمله کوه‌دشت، الشتر، نورآباد و ... تبدیل به شهر شدن و شهرنشینی رونق گرفت. اکثر مهاجرین سعی کرده‌اند که در شهرهای جدید، هویت‌های سنتی خود را حفظ کنند آنها به لحاظ فضا‌های شهری سعی می‌کردند که محله‌های همگونی را تشکیل دهند به نحوی که طایفه‌ای خود را حفظ کنند و هر طایفه از مجموع تیره و هر تیره از مجموع چند هوز تشکیل شده بود. حضور در شهر به مانند دیگر جاها باعث دسترسی افراد به رسانه‌های جمعی از جمله رادیو، تلویزیون، موبایل و اینترنت و ... شدند. حضور رسانه‌ها باعث فشردگی زمان و فضا و از جاکندگی فضا‌های اجتماعی و فرهنگ‌هاست در جوامع قبلی مکان و فضا برهم منطبق بودند و فرهنگ‌ها نیز در زمان خاص خودشان معنادار بودند اما رسانه‌ها آنها را از رگ و ریشه‌های خود و سرزمینشان جدا کردند و در یک فضای بیکران منتشر ساختند این امر تغییرات شدید اجتماعی و فرهنگی را برای این سرزمین همراه آورده است (جمشیدی‌ها و قلی‌پور، ۱۳۸۹: ۶).

با توجه به نظریات دورکیم، با ظهور مدرنیته غربی تمام مولفه‌های انسجام‌بخش سنت از بین می‌روند و دیگر نمی‌توانند نقشی در همبستگی جامعه و کنترل افراد داشته باشند. بنابراین حضور همزمان سنت و مدرنیته ممکن نیست و اگر هم باشد امری گذرا و ناپایدار است در صورتی که ورود مدرنیته به جوامع جهان سوم غیر از این است. به این معنا که سنت همچنان کارکرد خود را دارد و در کنار تمایزات ساختاری به هویت‌بخشی و انسجام‌بخشی تداوم می‌بخشد. حضور هم‌زمان این دو، تعارضات و تناقضات زیادی را در سطوح مختلف این جوامع به وجود آورده‌اند (کچوئیان، ۱۳۸۴؛ میرسپاسی، ۱۳۸۴). مدرنیزاسون مجموعه‌ای از برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی، صنعتی شدن، شهرنشینی و کاربرد تکنولوژی در زندگی روزمره است این مجموعه از تغییرات با نگرش فرهنگی با نام مدرنیسم همراه است به این ترتیب که مدرنیته تجربه‌ای است که در آن فرد یا جامعه‌ای نسبت خود را با این دو مشخص

می‌سازد. اگر جامعه‌ای صرفاً بر بعد تکنیکی و مدرنیزاسیون تکیه کند و توجهی به بینش فکری آن نداشته باشد، مدرنیته در آن جامعه به صورت مقطعی، به وضوح نافرجام یا شدیداً مسخ شده و مخدوش به وقوع می‌پیوندد (برمن، ۱۳۸۶: ۲۱۲). همین مسئله باعث تعارضات و تناقضاتی در این منطقه شده است. این تعارضات در بسیاری از ابعاد زندگی ساکنان منطقه نمایان است از جمله در عشق و انتخاب همسر، کار و اشتغال، انتظارات و توقعات از زندگی و غیره. این مسئله برای تعداد قابل ملاحظه‌ای از ساکنین و نسل جدید در منطقه گران تمام می‌شود. چرا که با انسان‌هایی روبه‌رو هستیم که در سردرگمی و بلاتکلیفی به سر می‌برند و از یک طرف سعی می‌کنند ظواهر دنیای مدرن را داشته باشد و همزمان ارزش‌های سنتی خود را نیز حفظ نماید. آنها دیگر نمی‌توانند مانند گذشته از سنت پیروی کنند، فردگرایی مدرن را پذیرفته‌اند اما برای آنها این امکان وجود ندارد که آن‌گونه تصمیم بگیرند، چون در مقابل سنت قرار می‌گیرند. بنابراین فرد در چنین شرایطی فشارهای زیادی را باید تحمل کند و دچار سرخوردگی و آسیب‌های ناشی از آن می‌شود. بنابراین در سطح کلان می‌توان از تئوری بی‌سازمانی اجتماعی استفاده کرد. این تئوری بر روی شکل مستقیم کنترل غیررسمی یا ثمربخشی جمعی<sup>۱</sup> متمرکز شده است. یعنی توانایی مداخله موثر در مسائل محله و نظارت ساکنین برای حفظ نظم عمومی. این تئوری فرض نموده است چنانچه این مکانیسم‌های مکمل ضعیف گردند، محلات توانایی خود را نسبت به کنترل جرم از دست خواهند داد. شدت همبستگی محله و ثمربخشی جمعی به ترتیب برای نمایان ساختن دامنه وسیعی از شرایط سطح کلان از قبیل؛ فقر، شهرنشینی، صنعتی شدن، صنعتی زدایی، دگرگونی جمعیت و ناهمگونی قومی/ نژادی در نظر گرفته شده است. در صورتی که آنها افزایش یابند، شدت همبستگی و کنترل غیررسمی کاهش می‌یابد. شاو و مک کی (۱۹۴۲)، فرض کرده‌اند که مناطق شهری متراکم و بزرگ باعث ایجاد روابط انسانی سطحی می‌شوند که به ترتیب، تضاد بین فردی را افزایش داده و کنترل و نظارت رسمی را ضروری می‌نماید. این نتایج بی‌سازمانی اجتماعی، با فقر و تحرک گزینشی جمعیت در اطراف شهرها همراه گردیده و منجر به ضعف کنترل اجتماعی می‌شود که افزایش خرده‌فرهنگ‌های کجرو و به تبع آن افزایش میزان جرائم را به دنبال دارد (galea et al, ۲۰۰۲: ۱۳۷۴). برای تبیین مسائل فوق در سطح خرد در منطقه نظریه فشار آگنیو این مسئله را به خوبی تبیین می‌کند. نظریه فشار

## Archive of SID

عملا بر روابطی متمرکز است که دیگران مانع از آن می شوند که فرد به اهداف با ارزش و مثبت دست یابد. اگنیو تاکید دارد که افراد صرفا در پی اهداف اجتماعی نیستند بلکه همچنین می کوشند از موقعیت های عذاب آور دوری کنند. آنگونه که راه های مشروع دست یابی به اهداف مسدودند، تلاش های صورت گرفته برای اجتناب از درد و رنج هم می تواند به جرم و انحراف منجر شود. نظریه فشار اگنیو فرض را بر این می گیرد که مسدود بودن راه های اجتناب از درد و رنج هم به شکل مستقیم و هم به شکل غیرمستقیم از طریق خشم منجر به جرم و انحراف می شود (هارل، ۲۰۰۷: ۱۰). اگنیو بر این باور است که فشار از سه شیوه بر فرد وارد می شود که به قرار زیر است:

الف. فشار در اثر عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مانند: بیکاری، فقر، بی سواد، احساس بی عدالتی (پارتنری بازی)، جاذبه های ظاهری، احساس محرومیت

ب. فشار در اثر حذف محرک های مثبت مانند: مانع شدن از ازدواج با فرد دلخواه، طلاق و از دست دادن شریک زندگی، مرگ یکی از والدین، عدم رضایت از روابط جنسی، شکست عاطفی

پ. فشار در اثر تحمیل محرک های منفی مانند: از بین رفتن محبت بین اعضای خانواده، تنبیه جسمانی، تضاد در خانواده، نزاع و درگیری، خشونت و درگیری در خانواده، سرخوردگی

رفتار مجرمانه و جرم یکی از شیوه های انطباق است اما آنگونه که اگنیو خاطر نشان می سازد، هر فردی که فشار را تجربه می کند به رفتارهای نامشروع متوسل نمی شود. عوامل متعددی وجود دارند که بر شیوه انطباق فرد اثر می گذارند. از جمله این عوامل ارزش ها، اهداف و هویت های افرادند. اگر فشار، ارزش ها و هویت های مهم فرد را تحت تاثیر قرار دهد و فرد اهداف، ارزش ها و هویت های بدیل چندانی در دسترس نداشته باشد، بیشتر احتمال دارد که به رفتارهای غیرقانونی و نامشروع دست بزند. بنابر این با توجه به رویکردهای فوق بسیاری از مردم منطقه از محل اصلی خود، پیوندهای خانوادگی ارزش ها و هنجارهای که به رفتار آن ها معنا و مفهوم می بخشید جدا شده اند و در فضایی قرار گرفته اند که ترکیبی از طوایف، اقوام و خرده فرهنگ های مختلف است. این مسئله افراد را از وابستگی های خانوادگی و بومی خود محروم کرده است و کنترل های غیررسمی دیگر حضور ندارد، لذا این افراد تحت روابط سست و گذرا زندگی می کنند. سطح تحریک پذیری و وسوسه در

تعداد قابل ملاحظه‌ای از افراد در منطقه بسیار بالا می‌باشد. این منطقه یکی از مناطق محروم می‌باشد که زندگی بسیاری از افراد در سطح پایین می‌باشد. حضور رسانه‌ها و پیشرفت‌های بسیار زیاد در ارتباطات، آگاهی بالا، انتظارات و توقعات بالا از زندگی از طرفی حضور ارزش‌ها و هنجارهای سنتی در کنار و دوشادوش ارزش‌های مدرن، دست به دست هم داده تا زمینه‌ساز بسیاری از مسائل و مشکلات در منطقه شود.

- ۱- احمدی، حبیب (۱۳۷۷)، «نظریه‌های انحرافات اجتماعی»، شیراز: انتشارات زر.
- ۲- احمدی، حبیب (۱۳۸۴)، «جامعه‌شناسی انحرافات»، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ۳- برمن، مارشال (۱۳۸۶)، «تجربه‌ای مدرنیته»، ترجمه فرهادپور، تهران: انتشارات طرح نو.
- ۴- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۰)، «توسعه و تضاد» تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم
- ۵- جمشیدی‌ها، غلامرضا، قلی‌پور، سیاوش، (۱۳۸۹)، «مدرنیته و خودکشی زنان و دختران لک» مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره اول.
- ۶- سلیمی، علی؛ داوری، محمد (۱۳۸۶)، «جامعه‌شناسی کجروی»، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- ۷- سویج، مایکل، آلن‌وارد (۱۳۸۰)، «جامعه‌شناسی شهری»، ترجمه ابوالقاسم پوررضا، نشر تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- ۸- کچوئیان، حسین (۱۳۸۴)، «تطورات گفتمان‌های هویتی در کشاکش با تجدد و مابعد تجدد»، تهران: نشر نی.
- ۹- ممتاز، فرید (۱۳۷۹)، «جامعه‌شناسی شهری»، نشر تهران.
- ۱۰- میرسپاسی، علی (۱۳۸۴)، «تاملی در مدرنیته ایرانی»، ترجمه جلال توکلیان، تهران: طرح نو.

11- Arthur, John A. (1991). «Socioeconomic Predictors of Crime in Rural Georgia.» *Criminal Justice Review* 16: 29-41.

12- Berg, Bruce. (2006), «Qualitative Research Methods for The Social Sciences», New York: Allyn and Bacon.

13- Corbin, J. and A. Strauss (2008), «Basics of Qualitive Research», Third Edition, London: Sage Publication Inc.

14- Denzin, N and Y. Lincoln (2005), «The Sage Handbook of Qualitative Research», Third Edition, London: Sage Publications Ltd.

15- Durkheim, E. 1951, «Suicide», Translated by J. A. Spaulding and G. simpon, New York: Free Press.

16- Galea, Sandro., Karpti, Adem., Kennedy, Bruce., 2002. «Social Capital And Violence in the United States, 1974-1993». *Social Science & Medicine*, Vol. 55, Issue 8.

17- Harrell, Erik (2007), *Adolescent Victimization and Delinquent Behav-*

18- Jobes, Patrick C. (1999), «Residential Stability and Crime in Small Rural Agricultural and Recreational Towns.» Sociological Perspectives 42 (3, Autumn): 499-524.

19- Lee, Matthew R., Michel O. Manune, and Graham C. Ousey. (2003). «Social Isolation and Lethal Violence Across the Metro/Nonmetro Divide: the Effects of socioeconomic Disadvantage and Poverty Concentration on Homicide.» Rural Sociology 68 (1): 107-181

20- Morkowitz, Fred E. Bellair, Paul E. Liska, Allen E. and Liu, Janhong, 2001. «Extending Social Disorganization Theory: Modeling the Relationships Between Cohesion, Disorder, and Fear». Criminology, Volume 39. N . 2.

21- Neuman, L. (2006), «Social Research Methods: Quantitative and Qualitative Approach», Sixth Edition. London: Allyn and Bacon.

22- Osgood, D. Wayne, and Jeff M. Chambers. (2000). «Social Disorganization Outside the Metropolis: An Analysis of Rural Youth Violence.» Criminology 38 (1): 81-116.

23- Rephann, Terrance. J. (1999). «Links Between Rural Development and Crime.» Papers in Regional Science 78: 365-386.

24- Saegert, S. Winkel, Gary and Swartz. Charles, 2002. «Social Capital and Crime in New York, Low- Income Housing» Housing Policy Debate, Volume 13, Issue 1.

25- Spano, Richard, and Steve Nagy. (2005), «Social Guardianship and Social Isolation: An Application And Extension of Lifestyle/ Routine Activities Theory to Rural Adolescents.» Rural Sociology 70(3): 414-437.

26- Spano, Richard, and Steve Nagy. (2005), «Social Guardianship and Social Isolation: An Application And Extension of Lifestyle/ Routine Activities Theory to Rural Adolescents.» Rural Sociology 70(3): 414-437.

27- Strauss, A.and J. Corbin (1998), «Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory,» Second Edition Thousand Oaks, CA: Sage Publications Ltd.

28- Wells, L. Edward, and Ralph A. Weisheit. (2004). «Patterns of Rural and urban Crime: A county-Level Comparison.» Criminal Justice Review 29(spring): 1-22.

29- Wells, L. Edward, and Ralph A. Weisheit. (2004). «Patterns of Rural and urban Crime: A county-Level Comparison.» Criminal Justice Review 29(spring): 1-22.

30- Wrightsman, L.S, M.T. Nietzel & W.Hfortune (1998): psychology and the Legal system. U.S.A: Broks/cole publishing Company.

